TRANSCRIPT · EPISODE 209

# Run: One Word, Three Lives

English learning resource · FA

**Line-by-line · English + Persian**

76 lines

**Study task: Listen again and notice the expressions you studied.**

Martin, I ran this morning, the coffee machine is running, and my sister runs a café.

مارتین، امروز صبح دویدم، دستگاه قهوه در حال کار است و خواهرم یک کافه را اداره می‌کند.

Three sentences, one word, and three different ideas.

سه جمله، یک واژه و سه مفهوم متفاوت.

Welcome to One Word, Three Lives, from Your English Toolbox.

به One Word, Three Lives از Your English Toolbox خوش آمدید.

Today our word is run.

واژه امروز ما run است.

We will hear it in three everyday situations.

آن را در سه موقعیت روزمره می‌شنویم.

Listen first and see if you can notice the difference.

ابتدا گوش کن و ببین آیا می‌توانی تفاوت را متوجه شوی.

I run in the park.

من در پارک می‌دوم.

The washing machine is running.

ماشین لباس‌شویی در حال کار است.

My sister runs a small café.

خواهرم یک کافه کوچک را اداره می‌کند.

What changes in each sentence?

در هر جمله چه چیزی تغییر می‌کند؟

The first meaning is moving quickly on your feet.

معنی اول، حرکت سریع با پاهاست.

When you run, both feet briefly leave the ground as you move.

وقتی می‌دوی، هنگام حرکت هر دو پا برای لحظه‌ای از زمین جدا می‌شوند.

You can run in a race, run in the park, or run to catch a bus.

می‌توانی در مسابقه بدوی، در پارک بدوی یا برای رسیدن به اتوبوس بدوی.

I ran to the station because I was late.

چون دیرم شده بود تا ایستگاه دویدم.

Notice ran in that sentence.

در آن جمله به ran توجه کن.

Run is the present form, and ran is the past form.

Run شکل زمان حال و ran شکل زمان گذشته است.

Yesterday I ran, but today I run.

دیروز دویدم، اما امروز می‌دوم.

You can also say, I went for a run, meaning I did some running.

همچنین می‌توانی بگویی I went for a run، یعنی برای دویدن بیرون رفتم.

In our second life, nothing is moving on its feet.

در زندگی دوم ما هیچ چیزی روی پاهایش حرکت نمی‌کند.

The washing machine is running.

ماشین لباس‌شویی در حال کار است.

Here, running means the machine is operating or working.

اینجا running یعنی دستگاه کار می‌کند یا در حال فعالیت است.

If the machine is running, it is switched on and doing its job.

اگر دستگاه در حال کار باشد، روشن است و وظیفه‌اش را انجام می‌دهد.

Your computer can be running, and an engine can be running too.

رایانه تو می‌تواند در حال کار باشد و موتور هم همین‌طور.

You might hear, please do not leave the engine running.

ممکن است بشنوی لطفا موتور را روشن و در حال کار رها نکن.

That means do not leave it operating.

یعنی نگذار به کار خود ادامه دهد.

It does not mean the engine has legs.

این به آن معنی نیست که موتور پا دارد.

And be careful with a natural question.

به یک پرسش طبیعی هم توجه کن.

Is the washing machine running?

آیا ماشین لباس‌شویی در حال کار است؟

Yes, it is still washing the clothes.

بله، هنوز در حال شستن لباس‌هاست.

Now for the third life.

حالا سراغ زندگی سوم برویم.

My sister runs a small café.

خواهرم یک کافه کوچک را اداره می‌کند.

Here, runs means manages or is responsible for the café.

اینجا runs یعنی کافه را مدیریت می‌کند یا مسئول آن است.

She makes decisions, organises the work, and helps the business operate.

او تصمیم می‌گیرد، کارها را سازمان‌دهی می‌کند و به فعالیت کسب‌وکار کمک می‌کند.

You can run a business, a shop, or a project.

می‌توانی یک کسب‌وکار، مغازه یا پروژه را اداره کنی.

For example, they run a family restaurant.

برای مثال، آن‌ها یک رستوران خانوادگی را اداره می‌کنند.

Or, he runs a project for local schools.

یا او پروژه‌ای برای مدارس محلی را مدیریت می‌کند.

Running a café does not mean running around the café all day.

اداره کردن کافه به معنی دویدن در کافه در تمام روز نیست.

Although some café owners probably do that too.

هرچند احتمالا بعضی صاحبان کافه این کار را هم می‌کنند.

Let us put the three lives side by side.

بیایید سه زندگی را کنار هم بگذاریم.

A person can run to move quickly.

یک شخص می‌تواند برای حرکت سریع بدود.

A machine can run when it is operating.

یک دستگاه می‌تواند وقتی در حال کار است run باشد.

And a person can run a business when they manage it.

و یک شخص می‌تواند وقتی کسب‌وکاری را مدیریت می‌کند آن را run کند.

The words around run help you find the meaning.

واژه‌های اطراف run به تو کمک می‌کنند معنی را پیدا کنی.

Someone who runs a café is responsible for making it work.

کسی که کافه‌ای را اداره می‌کند مسئول درست کار کردن آن است.

That person might own the café, but the verb run does not tell us that by itself.

آن شخص ممکن است صاحب کافه باشد، اما فعل run به‌تنهایی این را مشخص نمی‌کند.

Maya owns the café, but her brother runs it.

مایا صاحب کافه است، اما برادرش آن را اداره می‌کند.

He manages the daily work, even though Maya is the owner.

او کارهای روزانه را مدیریت می‌کند، اگرچه مایا صاحب کافه است.

Now compare a machine and a person in one short story.

حالا یک دستگاه و یک شخص را در داستانی کوتاه مقایسه کنیم.

Sam runs to the kitchen because the washing machine is still running.

سم به آشپزخانه می‌دود چون ماشین لباس‌شویی هنوز در حال کار است.

Sam moves quickly on foot, while the machine is operating.

سم با پاهایش سریع حرکت می‌کند، در حالی که ماشین در حال کار است.

The same word describes two different actions in that sentence.

یک واژه در آن جمله دو عمل متفاوت را توصیف می‌کند.

And if Sam runs a laundry business, we meet our third meaning too.

و اگر سم یک خشکشویی را اداره کند، با معنی سوم هم روبه‌رو می‌شویم.

Sam manages the business, but the business does not have legs.

سم کسب‌وکار را مدیریت می‌کند، اما کسب‌وکار پا ندارد.

These three meanings can help you understand many everyday conversations.

این سه معنی می‌توانند به تو در فهم بسیاری از گفتگوهای روزمره کمک کنند.

Imagine another conversation in a small family shop.

گفتگوی دیگری را در یک مغازه کوچک خانوادگی تصور کن.

Who runs this shop?

چه کسی این مغازه را اداره می‌کند؟

My aunt runs it during the week, and I help her on Saturdays.

عمه‌ام در طول هفته آن را اداره می‌کند و من شنبه‌ها کمکش می‌کنم.

Does that mean your aunt owns the shop?

آیا این یعنی عمه‌ات صاحب مغازه است؟

Not necessarily, because runs only tells us that she manages it.

نه لزوما، چون runs فقط به ما می‌گوید که او آن را مدیریت می‌کند.

Now suppose the lights go out and a customer asks about the printer.

حالا فرض کن برق قطع شود و مشتری درباره چاپگر سؤال کند.

Is the printer still running?

آیا چاپگر هنوز در حال کار است؟

No, it has stopped because there is no electricity.

نه، متوقف شده چون برق وجود ندارد.

Here again, run means operate.

اینجا دوباره run به معنی کار کردن است.

These short situations show why the words around a verb are such useful clues.

این موقعیت‌های کوتاه نشان می‌دهند چرا واژه‌های اطراف یک فعل سرنخ‌های مفیدی هستند.

Now listen to three new examples.

حالا به سه مثال جدید گوش کن.

First, the printer is running.

اول، چاپگر در حال کار است.

Is it exercising, operating, or managing a business?

آیا ورزش می‌کند، کار می‌کند یا کسب‌وکاری را اداره می‌کند؟

It is operating.

در حال کار است.

Next, she runs a bookshop.

بعد، او یک کتاب‌فروشی را اداره می‌کند.

She manages the bookshop.

او کتاب‌فروشی را مدیریت می‌کند.

Finally, they ran to the bus stop.

در آخر، آن‌ها تا ایستگاه اتوبوس دویدند.

They moved quickly on their feet.

آن‌ها با پاهایشان سریع حرکت کردند.

On our website, you can revisit the examples and practise choosing the meaning from context.

در وب‌سایت ما می‌توانی مثال‌ها را مرور کنی و انتخاب معنی بر اساس بافت را تمرین کنی.

Find the episode link in the description.

پیوند قسمت را در توضیحات پیدا می‌کنی.

Thank you for learning with Your English Toolbox.

از اینکه با Your English Toolbox یاد گرفتید سپاسگزاریم.

See you next time.

تا دیدار بعد.